

معرفی کتاب "بذرهای ماندگار" از اشرف دهقانی، "دادی بر بیداد!"

چند دقیقه‌ای است که برای سومین بار کار خواندن کتاب "بذرهای ماندگار" نوشته اشرف دهقانی را به پایان رسانده‌ام. در خلال ساعات خواندن این کتاب، بارها یادداشت برداشتم، بارها چند خط و یا چند صفحه به عقب رفته و باز خواندم. بارها به اندیشه رفتم و در مورد نوشته‌های مندرج در کتاب فکر کرده و برای خودم جمع‌بندی‌های تازه‌ای کردم. بارها لبخند بر لبانم آمد و بارها از چشمانم اشک جاری شد. اشرف دهقانی با این نوشته خود توانسته توجه خواننده را به بسیاری از مسائل جلب کند، به برخی از پرسشهای دیرین بی‌جواب پاسخ گوید و پرسشهای جدیدی را در ذهن خواننده ایجاد کند.

مدتها بود که می‌دانستم چنین کتابی در راه است. در مقدمه تازه‌ای که بر چاپ دوم کتاب "حماسه مقاومت" نوشته شده بود، وعده تهیه و چاپ چنین کتابی داده شده بود و حال به این وعده عمل می‌شد. در مردادماه ۱۳۷۳ معرفی‌نامه‌ای بر چاپ دوم کتاب یادشده نوشته بودم (که به صورت ضمیمه‌ای به همراه این نوشته برای سایتها ارسال می‌گردد) و از اینرو مدتها بود که در انتظار دریافت این کتاب بودم و حال ۱۱ ماه پس از آن زمان، این کتاب را در اختیار داشتم.

کتاب "بذرهای ماندگار" (که نهالی شکوفا که از دل سخت صخره روئیده است را بر روی جلد داشته و با بخشی از شعری جاودان از سعید سلطانپور آغاز می‌گردد) در دو فصل تهیه شده است. فصل نخست که خود شامل سه بخش می‌باشد، مجموعه‌ای است که در واقع برخی از خاطرات و دانسته‌های ناگفته اشرف دهقانی، یکی از چهره‌های شناخته‌شده جنبش کمونیستی ایران را در بر می‌گیرد. فصل دوم کتاب، نگاهی موشکافانه، ناقذانه و تحلیل‌گرانه به پاره‌ای از آنچه که در سالهای اخیر در مورد زندان، مبارزات زندانیان سیاسی و زندانیان نوشته و یا گفته شده انداخته و به خصوص به نقد کتابی به نام "داد بیداد" از ویدا حاجبی می‌پردازد.

سه بخش فصل اول از قرار زیر است. نخست نُه یادداشت در زمینه‌های گوناگون، یادداشت‌هایی که به اشکال گوناگون با هدف آشنا کردن خواننده به برخی از ناگفته‌های مبارزات چریکهای فدایی خلق ایران و افراد نزدیک به آنان آورده شده‌اند. در بخش دوم اشرف دهقانی ناگفته‌هایی در مورد فرار خود از زندان قصر در سال ۱۳۵۲ را بر روی کاغذ آورده و در ادامه از دوران پس از فرار تا حدود یک سال سخن می‌گوید. در همین بخش است که اشرف دهقانی با توجه به دانسته‌های خود از همکاریهای میان دو سازمان "چریکهای فدایی خلق ایران" و "مجاهدین خلق ایران" در آن سالها یاد کرده و حتی اعلام می‌دارد که اعدام انقلابی مستشاران آمریکایی در آن سالها به شکل مشترک توسط چریکها و مجاهدین برنامه‌ریزی شده بوده و قرار بوده که در آن روز دو عمل انقلابی به انجام برسد که متاسفانه (به دلیلی که در کتاب آمده است) عمل دوم که قرار بوده به طور مشخص به وسیله چریکها به عمل برسد به انجام درنیامده است. در همین بخش است که اشرف دهقانی از بسیاری از مجاهدین مبارز آن سالها (از جمله معصومه شادمانی، صدیقه رضایی، رضا رضایی و حسین خراسانی) و بسیاری از چریکهای فدایی خلق ایران (از جمله حمید اشرف، نسترن آن‌آقا، مرضیه احمدی اسکویی و...) یاد کرده و خاطرات گوناگونی از این دوران زندگانی خود را بیان می‌کند. جالب اینجاست که او در کنار گرامی‌داشت یاد این مبارزان شناخته‌شده، از افراد بسیار زیاد دیگری سخن به میان می‌آورد که فعالیت سازمانی نداشتند اما به اشکال گوناگون به آزادیخواهان و به امر مبارزه کمک می‌کردند. این مبارزان گمنام در حقیقت تجلی روحیه

مبارزاتی بخش بزرگی از توده‌های تحت‌ستم می‌باشند که اشرف دهقانی به درستی از آنها یاد می‌کند. بخش سوم فصل نخست حاوی اسنادی از مبارزات اولیه دو سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران و مجاهدین خلق ایران (اعلامیه‌هایی چند از این دو سازمان) می‌باشد.

در فصل دوم کتاب "بذرهای ماندگار"، فصلی که "نقد برخی ایده‌ها (دادی بر بیداد) نام گرفته است، اشرف دهقانی با موشکافی عمدتاً به تجزیه و تحلیل ایده‌های انحرافی مندرج در کتاب "داد بیداد" می‌پردازد. در اینجا، او تنها شرحی از این کتاب به خواننده نمی‌دهد بلکه با تکیه بر مارکسیسم - لنینیسم، تحلیلی کمونیستی از ایده‌های این کتاب، سبک برخوردی که در پیش گرفته و چرایی نگارش آن ارائه می‌کند. جالب اینجاست که کتاب "داد بیداد" نه تنها در خارج کشور بلکه در داخل کشور و با اجازه جمهوری اسلامی نیز به چاپ رسیده است. باید به یاد داشته باشیم که در تبلیغ برای کتاب "داد بیداد" از سوی نیروهای راست کوشش‌های بسیار زیادی صورت گرفته است. در چنین شرایطی است که ما می‌بینیم اشرف دهقانی، با استفاده از تجزیه و تحلیلی دقیق به روشنگری در مورد این کتاب، ایده‌ها و پیام آن و اهدافی که از مطرح کردن آن پیام و ایده‌ها تعقیب می‌شود، پرداخته است.

شیوه نگارش اشرف دهقانی ساده و روان است. او با صداقت و صمیمیت سخن می‌گوید و تلاش می‌کند تا نه تنها مسائلی از جنبش انقلابی ایران (به خصوص در خلال سالهای ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۴) را به شکل برخی از یاد‌های خود بر روی کاغذ بیاورد و به تاریخ بسپارد، بلکه با تأکید بر تجارب حاصل از آنها، بطلان ایده‌های انحرافی گوناگونی را نشان دهد که زیر نام "نقد" به نفی ارزش‌های مبارزاتی می‌پردازند.

برای من که بسیاری از آثار اشرف دهقانی را بارها خوانده‌ام فصل نخست این کتاب ادامه‌ای ناگزیر بر "حماسه مقاومت" بوده و فصل دوم کتاب یادآور نوشته‌های بسیار باارزشی مانند "راز" "مرگ" "صمد" و "نقدی بر اسپارتاکوس" می‌باشد.

کتاب "بذرهای ماندگار" تجزیه و تحلیلی از شرایط اقتصادی، سیاسی و یا اجتماعی ایران در سالهای ابتدایی دهه ۱۳۵۰ و یا امروز نیست. این کتاب وظیفه توضیح تئوری "مبارزه مسلحانه هم استراتژی و هم تاکتیک" را بر عهده نگرفته است. این کتاب نمی‌خواهد از همه آنچه که بر سازمان پرافتخار چریک‌های فدایی خلق رفته است، سخن بگوید و یا بگوید که از چه رو سازمان مجاهدین خلق ایران در سیر گذشت زمان به جریانی مبدل شد که امروز فرسنگها به لحاظ اهداف، برنامه‌ها و شیوه‌های خود با سازمان مجاهدین آن سالها فاصله گرفته است. این کتاب از یک‌سو یاد‌هایی صادقانه از یک انقلابی-فردی که نمی‌خواهد یاد‌هایش را با دیگران قسمت نکند - را عرضه می‌دارد و از سوی دیگر نقدی بر ایده‌های راست و انحرافی در جنبش آزادیخواهانه مردم تحت ستم ما ارائه می‌کند.

از جمله دستاوردهای همیشه‌ماندنی این کتاب که به "کارگران رزمنده ایران" تقدیم شده است، عکس‌های بسیار زیادی است که برخی از آنان برای نخستین بار در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرند.

در مقدمه این کتاب که با عنوان "سخنی با خواننده" آمده است وعده داده شده که بزودی نوشته دیگری از اشرف دهقانی که به تحلیل و مقایسه زندانهای دو رژیم ضدخلقی و وابسته به امپریالیسم (و از اینرو به ناچار دیکتاتوری) سلطنت پهلوی و جمهوری اسلامی پرداخته است، در اختیار علاقمندان گذاشته خواهد شد. با تقدیر

از زحمات این رفیق، علاقمندان را به خواندن "بذرهای ماندگار" دعوت کرده و خود در انتظار خواندن نوشته بعدی و نوشته‌هایی دیگر که شاید پاسخ‌دهنده برخی دیگر از پرسشهای من (و به وجودآورنده پرسشهایی دیگر در ذهن و مخیله من یا هر خواننده دیگری) باشند، خواهم ماند.

۲۲ تیرماه ۱۳۸۴ (۱۳ ژوئیه ۲۰۰۵)